

گفت‌وگوی روزنامه صبا

کارگردان فیلم سینمایی **بازی را بکش** :

مخاطب امروز دچار

ترازدی زدگی

است!

سمیه خاتونی
گفت‌وگو

در روزگاری که سینمای ایران بیش از هر زمان دیگری در تلاطم سلیقه‌های متغیر مخاطب، چالش‌های اکران و فقدان نظام حمایت از سینمای مستقل دست‌وپنجه نرم می‌کند، گاهی فیلمی پدید می‌آید که نه تنها از دل دغدغه‌های اجتماعی برمی‌خیزد، بلکه با تکیه بر اراده شخصی، خلاقیت مستقل و صبوری مؤلفانه، راه خود را تا پرده سینما باز می‌کند. «بازی را بکش» یکی از همین فیلم‌هاست؛ روایتی اجتماعی و تلخ که از لایه‌لای روزهای خانه‌نشینی و ناامنی کرونایی جان گرفت و به مخاطب امروزی گوشزد می‌کند که حقیقت گاه از خود واقعیت هم سهمگین‌تر است. نویسنده و کارگردان این فیلم محمد ابراهیم عزیزی، به همراه همسرش لادن شیر مرد، فیلمنامه را در دوره‌ای خاص از زیست جمعی ما شکل دادند؛ دوره‌ای که اضطراب، انزوا و بازاندیشی، بر ذهن همه ما سایه انداخته بود. آنها بیش از سه سال در خلوت خانه، در میانه روزهای کرونا، بی‌وقفه درگیر بازنویسی، طراحی و خلق این روایت شدند، روایتی که از دل یک بحران واقعی، قصه‌ای انسانی و دردآلود را بیرون کشید. «بازی را بکش» تنها یک فیلم اجتماعی نیست؛ تلاشی است برای شکل دادن به گفت‌وگویی معلق مانده در جامعه. فیلمی که به رغم موانع متعدد در مسیر تولید، اکران و حتی دیده شدن، مخاطب را دعوت می‌کند تا دست‌کم یک بار دیگر، به آنچه پشت درهای بسته می‌گذرد، نگاهی عمیق‌تر بیندازد. او به همراه همسرش، لادن شیر مرد، در دوران قرنطینه کرونا و به مدت سه سال، فیلمنامه این فیلم را در خانه نوشتند و به روایت داستانی واقعی از دنیای فوتبالی ایران پرداختند.

«بازی را بکش» نخستین تجربه کارگردانی محمد ابراهیم عزیزی در سینما است که با تهیه‌کنندگی مصطفی کبابی و با بازیگری محسن کبابی تولید شده است. این فیلم در چهل و سومین جشنواره فیلم فجر به نمایش در آمد. داستان فیلم درباره موسی، پیشکسوت فوتبالی، است که پس از مرگ برادرش در یک سانحه ورزشی، در پی کشف حقیقت پشت این حادثه بر می‌آید و با واقعیت‌های تلخ و تکان دهنده‌ای مواجه می‌شود. در این فیلم، بازیگران دیگری چون، هدی زین‌العابدین، محمد بحرانی، پوریا رحیمی‌سام، متین حیدری‌نیا و... به یقین نقش پر داشته‌اند. «بازی را بکش» توسط شایسته فیلم تولید و هم‌اکنون در اکران آنلاین نمایش خانگی فیلمو است. این فیلم در ۱۸ بهمن ۱۴۰۳ در جشنواره فجر به نمایش درآمد و پس از اکران سینمایی در ۱۵ خرداد ۱۴۰۴ به صورت آنلاین اکران شد. این اثر سینمایی با پرداختن به موضوعات اجتماعی و واقعیت‌های تلخ دنیای ورزش، تلاش می‌کند تا مخاطب را به تفکر وادارد و آگاهی بخشی کند. «بازی را بکش» نمونه‌ای از سینمای اجتماعی است توانسته است توجه مخاطبان و منتقدان را جلب کند. به همین جهت خبرنگار روزنامه صبا در گفت‌وگویی صمیمی و صریح به سراغ محمد ابراهیم عزیزی رفته و درباره روند شکل‌گیری و تولید این اثر سینمایی با این کارگردان جوان صحبت کرده است که در ادامه می‌خوانید.

با توجه به اینکه فیلم «بازی را بکش» بازخوردهای مثبتی از مخاطبان گرفته، چرا فیلم نتوانست سانس‌های پیش‌تر و مناسب‌تری در اکران دریافت کند؟

باید بگویم که برخلاف انتظار و بازخورد مثبتی که از برخی مخاطبان و منتقدان گرفتیم، همه این موارد باز هم تأثیر چندانی بر فروش فیلم‌ها در گیشه نداشته است. تجربه شخصی من و آنچه از دیگر فیلم‌سازان هم شنیده‌ام نشان می‌دهد که انتخاب فیلم توسط مخاطب بیشتر بر اساس سلیقه شخصی و انجام می‌شود، نه لزوماً بر مبنای نقدها یا نظرات دیگران. در سال‌های اخیر، سلیقه عمومی مردم بیشتر به سمت فیلم‌های کمدی گرایش داشته. بنابراین طبیعی‌ست که سینما داراها هم ترجیح می‌دهند سانس‌های پر فروش‌تر را به فیلم‌هایی اختصاص دهند که از پیش می‌دانند احتمال بیشتری برای جذب مخاطب دارند. نتیجه این سیاست، آن است که فیلم‌های اجتماعی مانند «بازی را بکش» معمولاً در اولویت قرار نمی‌گیرند و تعداد سینماها یا سانس‌های اختصاص یافته به آن‌ها بسیار کمتر است؛ گاهی حتی به یک سوم فیلم‌های کمدی هم نمی‌رسد.

چه موانعی در مسیر اکران فیلم وجود داشت که مانع از جذب پیش‌تر مخاطب به سالن‌های سینما شد؟

در مورد فیلم ما، بیشتر سانس‌هایی که در اختیار داشتیم در ساعات بسیار نامناسبی بودند؛ مثلاً ۱۱ صبح، ۲ بعد از ظهر، یا حتی نیمه‌شب. این نوع زمان‌بندی قطعاً تأثیر منفی مستقیمی بر میزان استقبال مخاطب دارد. تصمیم‌گیری در این زمینه اما نه در اختیار ما به عنوان سازنده است و نه حتی قابل مذاکره است. این تصمیم‌ها به طور کامل در اختیار سینما داراها و بخش پخش فیلم است. البته معتقدم اگر امکان این وجود داشت که فیلم ما در سانس‌های مناسب‌تر و سینماهای بیشتری اکران شود، احتمالاً با استقبال گسترده‌تری از سوی مخاطب مواجه می‌شد. اما باید واقع‌بین بود: تعداد سالن‌های سینما در ایران به طور کلی بسیار محدود است. به همین دلیل رقابت برای اکران در شرایط برابر، به ویژه برای فیلم‌های غیر کمدی یا اجتماعی، عملاً سخت و گاهی ناعادلانه می‌شود. نکته مهم دیگر این است که این مشکل فقط به فیلم ما مربوط نیست. بسیاری از فیلم‌های اجتماعی با همین چالش مواجه‌اند. ساختار توزیع و اکران در سینمای ایران به گونه‌ای است که نیازمند بازنگری اساسی است. از تعداد سالن‌های موجود گرفته تا نحوه‌ی زمان‌بندی و تخصیص سانس‌ها. این‌ها مسائلی هستند که در حوزه اختیارات ما فیلم‌سازان نیست و برای تغییر آن‌ها

نیاز به برنامه‌ریزی و اراده‌ای در سطح کلان وجود دارد. **شما در مقام فیلمنامه‌نویس و کارگردان جوان، چه چالش‌هایی در تعامل با بازیگران چهره داشتید؟**

پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد من به‌طور مشخص بر موضوع آموزش و تربیت بازیگر متمرکز بود. بخشی از این پژوهش نیز به موضوع بسیار مهم انتخاب بازیگر اختصاص داشت. در بررسی منابع و نظریه‌پردازانی که در این حوزه کتاب و مقاله نوشته‌اند، به نکته مشترکی میان بازیگری در تئاتر و سینما اشاره شده بود: اهمیت تعیین‌کننده‌ی «انتخاب اولیه». اگر چه تفاوت‌هایی میان بازیگری در تئاتر و سینما وجود دارد، اما در هر دو مدیوم، انتخاب در سست بازیگر بر اساس نزدیکی به معیارهای ذهنی کارگردان، می‌تواند بخش بزرگی از مسیر را هموار کند. در سینما، این اهمیت دو چندان می‌شود، زیرا برخلاف تئاتر که ماه‌ها فرصت تمرین و تعامل با بازیگر وجود دارد، در سینما زمان بسیار محدود است. بنابراین، اگر انتخاب اولیه بازیگر به درستی انجام شود، در واقع می‌توان گفت ۵۰ درصد مسیر بازیگردانی از پیش طی شده است. با همین نگاه، من تلاش کردم در مرحله انتخاب بازیگر، با دقت و وسواس بیشتری عمل کنم تا از همان ابتدا افرادی را انتخاب کنم که هم راستا با ذهنیت من نسبت به شخصیت‌ها باشند. این دقت در انتخاب باعث شد در مرحله اجرا چالش خاصی با بازیگران نداشته باشم. آنچه از مباحث نظری و عملی در حوزه تعلیم و تربیت بازیگر آموخته بودم، تلاش کردم در فرآیند کار اجرایی نیز به کار ببرم. بنابراین کارگردان باید پیش از آغاز تصویربرداری، انتخابی انجام دهد که به لحاظ روانی، فیزیکی و توان اجرایی، با ذهنیت او نسبت به نقش هم‌راستا باشد. همان‌طور که دیوید ممت در کتاب «در باب هدایت بازیگر» تأکید می‌کند، انتخاب بازیگر مناسب یعنی حرکت هوشمندانه از پیش به سوی موفقیت اجرا. همچنین استلا آدلر در کتاب «تکنیک بازیگری» اشاره می‌کند که در سینما، به دلیل ماهیت سریع و فشرده‌ی تولید، بازیگر باید از ابتدا درک روشنی از شخصیت داشته باشد و انتخاب او باید بر مبنای پتانسیل درونی برای درک نقش انجام شود، نه صرفاً بر اساس شهرت یا چهره بودن. خوشبختانه این تجربه برای من رضایت‌بخش بود. نکته‌ی امیدوارکننده برای من این بود که بازخوردهایی که پس از نمایش فیلم از سوی برخی دوستان، مخاطبان حرفه‌ای و صاحب‌نظرانی که فیلم را دیده بودند، دریافت کردم، حاکی از این بود که بازی‌ها باورپذیر و دقیق درآمده‌اند. بسیاری از آن‌ها اذعان داشتند که هدایت بازیگران در این فیلم یکی از بخش‌های موفق کار بوده است. امیدوارم که این بخش از فیلم نیز توانسته باشد نظر مخاطبان عمومی را هم جلب کرده باشد. بازخوردهایی که از مخاطبان حرفه‌ای و منتقدانی که فیلم را دیده‌اند،

